

به نام خدا

از مجموعه نگاشته های "آن آشنا"

فرمانروای هستی

(گفتگوهایی درباره جهان بینی توحیدی)

فرمانروای هستی

بِنما به ما که هستی

آنکه بگو که هستی؟

(۳۳) چشمه آب حیات

از آن آشنا پرسیدم:

- آیا منظورتان از تکاندن و دوباره پهن کردن پتو آن است که قصد دارید همان نکته های سابق را از نو و به

شکلی تازه برایم بازگو کنید؟

فرمود:

- هم بله و هم خیر.

بله،

چون ، اگر "او" اجازه دهد، آن مطالب پراکنده پیشین، این بار در یک نگاه کلیت نگر از مبدأ هستی، در

پیوند با یکدیگر عرضه خواهند شد

خیر،

چون گفته های من این بار کامل تر از گذشته و در بر دارنده برخی موضوعات جدید خواهند بود.

گفتم:

- ممکن است بفرمایید که، در این دور از گفتگوهایمان، برای بازگو نمودن و تکمیل مطالب قبلی، چه شیوه

ای را به کار می گیرید؟

پرسید:

- اگر چند فصل جدا از هم از یک کتاب، به صورت پراکنده و ناقص، به دست شما برسد و شما از مندرجات

آن ها متوجه شوید که آن کتاب حاوی مطالب مهم و مفیدی بوده است، چه می کنید؟

گفتم:

- می کوشم تا مابقی بخش های آن را هم پیدا کنم.

وقتی فصل های آن کتاب به طور کامل به دستم رسیدند آن ها را به ترتیب، از آغاز نخستین بخش تا پایان

واپسین مبحث، به دنبال هم قرار می دهم و صحافی می کنم.

سپس بارها و بارها آن ها را در ارتباط با یکدیگر با دقت می خوانم و برای مطالعات آتی خود و دیگران

نگه می دارم.

فرمود:

- تا به حال، گفتگو های ما همچون فصل هایی ناکامل و پراکنده از یک کتاب بوده اند.

اما از این پس، اگر خدا خواهد، مطابق با روشی که خود شما هم اکنون ارائه کردید، من، به جای پاسخ به

پرسش های پراکنده، نکات پیش گفته را کامل نموده و در حد امکان، به صورت پی در پی و مرتبط با

یکدیگر، در یک فرآیندِ گام به گام، به ترتیب از مبدأ هستی تا وادی واقعیت‌ها (زمین)، ساحت به ساحت، و یکی پس از دیگری ارائه خواهیم کرد.

در صورت تمایل، شما می‌توانید، همچون گذشته، گفته‌هایم را بنویسید و در اختیارِ دیگران قرار دهید.

پرسیدم:

- شنیدن این گفته‌ها و خواندن این نوشته‌ها، برای شنونده و خواننده آن‌ها چه فایده‌ای در بر خواهد

داشت؟

فرمود:

- این گفتار‌ها و نوشتار‌ها، در مجموع، یک دوره آموزشی درباره علم توحید و نگرش مبتنی بر آن، یعنی

جهان بینی توحیدی، را تشکیل خواهند داد.

در اهمیت این نکات همین بس که در متون مقدس و فرمایشات انبیاء و اولیای خدا، هر گاه سخن از علم و

معرفت به میان می‌آید مراد این دو - دانش و نگرش یکتاپرستانه - و دانستنی‌های مبتنی بر آن‌ها است.

گفتم:

- ولی من جواب سؤال خودم را نگرفته‌ام. پس دوباره می‌پرسم:

کسب این دانش و نگرش برای ما انسان‌ها چه سودی دارد؟

با لبخند فرمود:

- شما هم سودجو شده‌اید؟

پرسیدم:

- مگر به دنبال کسب سود بودن، جرم یا گناه است؟

پاسخ داد:

- بستگی دارد به این که به دنبال چه نوع سودی هستید، از چه راهی، و به چه میزانی؟

گفتم:

بهترین نوع سود، به بیشترین میزان، و از درست ترین راه.

همچنان لبخند به لب فرمود:

- این که آمیزه ای از سودجویی و زیاده خواهی است!

افزود:

- توجه داشته باشید که ترکیب سود جویی و زیاده خواهی می تواند هم به بزرگترین جرایم و گناهان

منجر شود و هم به خوشبختی راستین بینجامد.

پرسیدم:

- چه طور چنین چیزی ممکن است؟

فرمود:

- در پس همه سرقت ها، غصب ها، اجحاف ها، ستمگری ها، استثمار ها، استعمارگری ها، جنگهای توسعه

طلبانه، و قتل و غارت ها، همین میل به سودجویی و زیاده خواهی بوده و هست.

افزود:

- البته تمامی این موارد یک ویژگی مشترک دارند:

در همه آن ها، شخص سودجو و زیاده خواه، ظالمانه، سود خود را به زیان دیگران دنبال می کند.

ادامه داد:

- ولی در یک رابطه عادلانه و منصفانه، این امکان وجود دارد که سود همگان به طور همزمان تأمین شود؛

در این نوع رابطه، یکایک افراد یا گروه‌ها، با سودجویی خود، جا را برای دیگران تنگ و یا راه را بر دیگران سد نمی‌کنند.

ناگفته پیداست که این گونه سودجویی نه تنها ایرادی ندارد بلکه هر چه بیشتر دنبال شود برای همه بهتر است.

پرسیدم:

- آیا آن ترکیب از سودجویی و زیاده‌خواهی که به خوشبختی راستین منجر می‌شود نیز از همین نوع است؟
پاسخ داد:

- آری. آن‌جا نیز، فرد سودجو، هم خوشبختی خود را دنبال می‌کند و هم سعادت دیگران را.

گفتم:

- این سخنی قدیمی است که: جوینده یابنده است.

قرار است که جوینده، در جستجوی خود به دنبال این نوع سود و سعادت، در نهایت چه چیزی را بیابد؟
فرمود:

- او نمی‌یابد، به او داده می‌شود.

آن چه که به او، نه به عنوان حاصل جستجوهایش، بلکه به عنوان اجر کوشیدن و طلبیدن اش، اعطا می‌شود، خیر کثیر (حکمت) نام دارد.

حکمت، همان دانش و بینش یکتاپرستانه است که سلوک راستین تنها بر مبنای آن می‌تواند شکل بگیرد.

پرسیدم:

<https://yektaparasti.ir/>
<https://yektaparasti.ir/posts/show/76/>

نشانی تارنما
نشانی این نوشته

- در آن علم و معرفت، انسان چه می آموزد؟

فرمود:

- این که آفریدگان در آغاز کجا بوده اند، اکنون کجا هستند، و در نهایت به کجا خواهند رفت.

افزود:

- ضمناً شما، و نیز همه دیگر انسان ها، تنها از این راه به پاسخ های درست برای پرسش هایتان دست

می یابید.

مگر نپرسیدید که

چرا آفریده شده اید؟

چرا از بهشت اخراج شده اید؟

چگونه می توانید به آن جا و بلکه به بهشت های بالاتر از آن باز گردید؟

مگر نمی خواستید بدانید که

خوشبختی چیست و از چه راه به دست می آید؟

و

کدام کاروان شما را سریع تر و یگراست به مقصد می رساند؟

جواب همه این سؤالات و پاسخ بسیاری پرسش های گوناگون دیگر، در دانش و بینش یکتا پرستانه نهفته

است.

ادامه داد:

- علم توحید و جهان بینی توحیدی ، همچون مشعل ای است که، در پرتو آن، دارنده اش پای در دام صیادان و گام در گناب درندگان نمی گذارد و در جنگل تاریک تحیر، راه را از چاه، و در دشت پُرغبارِ توهم، آب را از سراب باز می شناسد.

فروغ این مشعل جلوه ای از خورشیدِ عالمتابِ یکتایی "او" ست.

چه چراغی تابناک تر، گرانبها تر، و نیز سودمند تر از این مشعل!

سودجوی به راستی زیرک، تنها این سود را می جوید.

سودی که هر چه بیشتر طلب شود باز هم کم است.

پرسیدم:

- چگونه ممکن است که یک علم به تنهایی بتواند به سؤالاتِ مختلف پاسخ دهد؟

فرمود:

- همان گونه که از یک چشمه می توان بارها آب برداشت و با آن ظرف ها و کوزه های مختلف را پر کرد.

دانش و بینشِ یکتا پرستانه، کوثر یا همان چشمهٔ آبِ حیات است که اگر به کسی، به خواستِ "او"، از آن

جُرعه ای نوشانده شود، به وی اذنِ ورود به حریمِ حیاتِ طیبه - زندگی پاکِ جاویدان - عطا می گردد.

پرسیدم:

- آن چشمه کجا ست؟

در حالی که به سینۀ من اشاره می کرد فرمود:

- آن چشمه، هیچگاه از شما انسان ها دور نبوده است.

آن همواره در درونِ شما بوده و هست.

ادامه دارد